

سفرنامه‌ها و سفرنامه‌نویسان دوره صفویه

محمد بهرام‌زاده^۱

مسعود دادبخش^۲

چکیده

حدود و ثغور کشور با به قدرت رسیدن حکومت صفویه در ایران به تدریج مشخص شد و گستره جغرافیایی ایران پس از سده‌ها تحت سلطه یک حکومت واحد قرار گرفت. حکومت صفوی با ایجاد امنیت در سرزمین‌ها و راه‌های تجاری و رسمی نمودن مذهب شیعه در کشور، توانست مردم ایران را دوباره در زیر چتر یک پرچم واحد و مشترک جمع کند. در این دوره به دلیل گسترش ارتباطات سیاسی و تجاری میان ایران و سایر کشورها، حضور سفیران خارجی در کشور گسترش یافت و سفرنامه‌های بسیاری از سیاحانی همچون برادران شرلی، شاردن، تاورنیه، کمپفر به جای مانده است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سفرنامه‌های موجود در این دوره پرداخته و شرح حال نویسندگان این سفرنامه‌ها، دلایل حضور آنان در ایران و نکات حائز اهمیت در سفرنامه ایشان را مورد ارزیابی و واکاوی قرار دهد. آنگونه که از بررسی‌های پژوهش حاضر برمی‌آید اهداف سیاسی و تجاری از مهم‌ترین دلایل حضور سیاحان دوره صفوی به ایران بوده است.

کلید واژگان: صفویه، سفرنامه‌ها، شاردن، تاورنیه، برادران شرلی، کمپفر.

۱. معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی بنیاد ایران‌شناسی. mohammadbahramzade@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه خوارزمی. مدرس دانشگاه علمی کاربردی. پژوهشگر بنیاد

ایران‌شناسی. dadbakhsh.Masoud@gmail.com

مقدمه

دوره صفوی (۱۱۴۸-۹۰۷ ه.ق)، عصر تجدید اعتلای حکومت ایران بر مناطق مختلف و پهناوری است که پس از هجوم قوم مغول، دچار هرج و مرج و تفرقه گشته و تحت سلطه حکومت‌های کوچک و موازی قرار گرفته بود. شاهان صفوی با جلوگیری از سلطه امپراتوری قدرتمند عثمانی و سرکوب اهداف استعماری برخی از کشورهای اروپایی، موفق به ایجاد انسجام و یکپارچگی در کشور شدند و اقتدار دوران گذشته ایران را تا حدود زیادی احیا کردند. کشورهای اروپایی که در ممانعت از توسعه قدرت عثمانی با ایرانیان هم‌جهت و همسو بودند، مراودات خود را با ایران گسترش دادند^۱ و این امر بالطبع باعث افزایش آمد و شد فرستادگان و نمایندگان کشورهای اروپایی به ایران گردید (دانش پژوه، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰).

هرکدام از این جهانگردان و سیاحان از طبقات گوناگون اجتماعی بوده‌اند و برای مسافرت و گشت و گذار در ایران دلایل مختلفی داشته‌اند، از جمله سیاحت و جهانگردی، مأموریت‌های سیاسی، سفرهای علمی، تجارت و تبلیغات مذهبی مهم‌ترین این اهداف است. بسیاری از این سیاحان، خاطرات، دیده‌ها و شنیده‌های خود را به رشته تحریر در آورده‌اند که امروزه این سفرنامه‌ها از منابع مهم پژوهشی به شمار می‌روند (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۴۹۵-۴۹۷؛ حاجیان‌پور، ۱۳۸۶: ۸۶).

به طور کلی سفرنامه‌های دوره صفوی، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و مذهبی شهرهای مختلف ایران و به ویژه شهر اصفهان هستند. بررسی این سفرنامه‌ها از آن منظر حائز اهمیت است که افزون بر مشخص نمودن وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران در دوره صفوی، رویکرد جهانگردان و دولتمردان غربی نسبت به ایران را نیز روشن می‌سازد.

بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی سفرنامه‌ها و سایر مکتوبات مرتبط با دوره صفوی، افزون بر گردآوری اطلاعات درباره جهانگردان این دوره، مناطق مورد بازدید هرکدام از آنان مشخص شود و نقطه نظرات و دیدگاه‌های ایشان نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۱. یکی از اهداف مهم اروپاییان در این دوره، بهره‌گیری از اختلافات مذهبی میان حکومت ایران و عثمانی بود. سلاطین سنی مذهب عثمانی خود را وارثان بر حق خلافت عباسی می‌دانستند و معتقد بودند که تمامی کشورهای اسلامی می‌بایست از آنان تبعیت کنند. از آن سو شاهان شیعه مذهب صفوی این قاعده را بر نمی‌تاییدند و خود را از نسل امام موسی کاظم (ع) و حق حکومت را از آن خود می‌دانستند.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران مختلف، سفرنامه‌های دوره صفوی را بارها به صورت کلی یا جزئی، مورد پژوهش و بررسی قرار داده‌اند. منوچهر دانش‌پژوه در کتاب‌های سفرنامه و بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، به جمع‌آوری مطالبی درباره سفرنامه‌های این دوره پرداخته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ج ۲؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵). وی در این کتاب‌ها به شرح زندگی جهانگردان مختلف این دوره پرداخته و گوشه‌هایی از نوشته‌های آنان را بدون ارائه تحلیل خاصی گردآوری کرده است.

موسوی دالینی و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی»، به بررسی رویکردهای اجتماعی سفرنامه‌نویسان این دوره پرداخته‌اند (موسوی دالینی و همکاران، ۱۳۹۵). رضا رمضان نرگسی با رویکردی انتقادی شش سفرنامه اروپایی در دوره صفوی را مورد ارزیابی قرار داده و حمید حاجیان‌پور به بررسی نوع ادبیات و سبک نگارش سفرنامه پیترو دل‌واله پرداخته است (حاجیان‌پور، ۱۳۸۶). محمد کریم یوسف جلالی و پرویز عادل نیز در مقالاتی مجزا، سفرنامه‌های ونیزیان را در ایران مورد بررسی قرار داده‌اند (یوسف جلالی، ۱۳۸۵؛ عادل، ۱۳۸۳).

افزون بر مقالات مذکور پژوهش‌های متعدد دیگری نیز وجود دارند که در آنها از بخش‌های مختلف سفرنامه‌های دوره صفوی استفاده شده است. محمد شورمیج به بررسی خلیج فارس در سفرنامه‌های دوره صفوی پرداخته است (شورمیج، ۱۳۹۳). سمیه کرمی و همکاران، با تکیه بر سفرنامه‌های دوره صفوی، وضعیت آموزشی بانوان دربار را مورد بررسی قرار داده‌اند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۶). حمید حاجیان‌پور در مقاله‌ای دیگر با همکاری رقیه جوادی به بررسی مفاهیم هنر معماری اصفهان در چهار سفرنامه این دوره (دل‌واله، تاورنیه، شاردن، سانسون) پرداخته است (حاجیان‌پور و جوادی، ۱۳۹۵). محمد حسن رازنهان و تقی شیردل مؤلفه‌های تقدیرگرایی را در سفرنامه‌های دوره صفوی مورد بررسی قرار داده‌اند (رازنهان و شیردل، ۱۳۹۶) و ایلناز رهبر و همکاران، نیز به پژوهش درباره سازهای موسیقی دوره صفوی با تکیه بر سفرنامه‌های کمپفر و شاردن پرداخته‌اند (رهبر و همکاران، ۱۳۹۶).

حضور جهانگردان غربی در ایران دوره صفوی

اندکی پیش از تشکیل حکومت صفویه، دریانورد پرتغالی، «بارتولومئو دیاز» توانست با دور زدن دماغه امیدنیک راه جدید دریایی را به سمت سرزمین‌های شرقی و به ویژه هند بگشاید



(۱۴۸۸م)؛ این راه جدید دریایی و کالاهای شرقی تبدیل به عامل اصلی توسعه طلبی سیاسی و تجاری کشورهای اروپایی در شرق گردید. از این رو، سیاحت و جهانگردی، در سرزمین‌های شرقی مورد توجه اروپاییان قرار گرفت و سیاحان متعددی تحت حمایت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی و با اهداف متفاوت به ایران سفر کردند. این جهانگردان گزارش‌ها، یادداشت‌ها و سفرنامه‌هایی را به زبان‌های پرتغالی، اسپانیولی، هلندی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی و ایتالیایی از خود به جای گذاشتند که بیشتر آنها امروزه جزو منابع مهم پژوهشی در حوزه صفویه به شمار می‌آیند. سفرنامه‌های مهم این دوره عبارتند از:

سفرنامه جوان ماریا آنجلو (حدود ۱۵۰۰م)، سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران (حدود ۱۵۱۰م)، سفرنامه وینچنتو دالساندری (۱۵۷۴-۱۵۷۱م)، سفرنامه برادران شرلی (۱۵۹۸م)، سفرنامه ژرژ تکتاندرفن دریابل، (ایتر پرسیکوم ۱۶۰۵م)، سفرنامه دن گارسیا (۱۶۱۴م)، سفرنامه پیترو دلاواله (۱۶۱۷م)، سفرنامه کانتف (۱۶۲۳م)، سفرنامه استودارت (۱۶۲۶م)، سفرنامه یان اسمیت (۱۶۲۸م)، سفرنامه تاورنیه (۱۶۳۲م)، سفرنامه آدام اولتاریوس (۱۶۳۴م)، سیاحت‌نامه شاردن (۱۶۶۴م)، سفرنامه آندره دولیه دلد (زیبایی‌های ایران ۱۶۶۴م)، سفرنامه سانسون (۱۶۸۳م)، سفرنامه کمپفر (۱۶۸۳م)، سفرنامه کارری (۱۶۹۳م)، گزارش فیدالگو، سفیر کشور پرتغال (۱۶۹۳م)، سفیر زیبا (۱۷۰۶م)، سفرنامه کروسینسکی (۱۷۰۷م) و سفارت‌نامه احمد دری (حدود ۱۷۱۳م).

به طور کلی با توجه به احوال اجتماعی، توصیف مظاهر زندگی، اخلاق و روحیات مردم ایران، پرداختن به اوضاع اقتصادی و جغرافیایی، بیان وضعیت دینی و عقاید مذهبی، وضع تعلیم و تربیت، گردآوری افسانه‌ها و اساطیر ملی و باستانی و آگاهی از کیفیت نفوذ تدریجی دول اروپایی در ایران را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های سفرنامه‌های این دوره دانست (دالینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۷).

۱. سفرنامه آنجلو

جوان ماریا آنجلو، یکی از بازرگانان ونیزی که با اهداف سیاسی و تجاری به ایران سفر کرد؛ حوادث دوران حکومت شاه اسماعیل را از نزدیک مشاهده نمود و شرح خاطرات خود را به نگارش درآورد. منوچهر امیری سفرنامه وی را با عنوان *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* ترجمه کرده است. آنجلو در آغاز به معرفی نبردهای اوزون حسن با حکومت عثمانی و حوادث مرتبط با اواخر حکومت آق‌قویونلوها در ایران پرداخته است و در ادامه قدرت‌گیری شاه اسماعیل و

نبردهای شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی را شرح می‌دهد. وی همچنین مطالبی را درباره مرگ شاه اسماعیل و به قدرت رسیدن شاه تهماسب به نگارش درآورده است (آنجلو، ۱۳۸۱: ۲۷۳-۳۸۳). آنجلو بخش‌هایی از نوشته‌های خود را تنها بر اساس شنیده‌ها و به اشتباه مطرح کرده است و در بیشتر موارد نیز منبع شنیده‌های وی مشخص نیست (یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). هرچند که با تمام این اوصاف سفرنامه وی حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره سال‌های آغازین حکومت صفویه در ایران است.

۲. سفرنامه بازرگان ونیزی

یکی دیگر از سفرنامه‌های دوره صفوی، سفرنامه تاجر گمنام ونیزی است که سفرش در ایران حدود هشت سال و هشت ماه طول کشید. وی در سفرنامه خود به شرح وقایع مربوط به اواخر دوره حکومت آق‌قویونلو و اوایل حکومت صفوی پرداخته و اطلاعات مفید جغرافیایی را راجع به شهرهای خوی و تبریز به رشته تحریر درآورده است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۸؛ سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران، ۱۳۸۱: ۳۷۵-۴۵۷).

۳. سفرنامه دالساندري

وینچنتو دالساندري در دوره شاه تهماسب به ایران سفر کرد و بیست و یک ماه در کشور حضور داشت. وی مشاهدات خود را در قالب گزارشی تقدیم به نجبای جمهوری ونیز کرده است. از همین رو به نظر می‌رسد که دلیل اصلی مسافرت وی به ایران مأموریت سیاسی بوده است (دالساندري، ۱۳۸۱: ۴۷۹). دالساندري بیش از پرداختن به جغرافیای شهرها و ولایات مختلف ایران در این دوره به شرح احوال، اخلاق و خانواده شاه تهماسب پرداخته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۷۹). وی در سفرنامه خود سن شاه تهماسب را ۶۴ سال و مدت سلطنت وی را ۵۱ سال معرفی می‌کند (دالساندري، ۱۳۸۱: ۴۶۵)؛ با توجه به آنکه تهماسب در ۱۰ سالگی و در سال ۹۳۰ ه.ق / ۱۵۲۴ م به سلطنت رسیده، کتاب در حدود سال‌های ۱۵۷۴-۱۵۷۱ م به نگارش درآمده است. نکته حائز توجه آنکه با توجه به تاریخ تولد شاه تهماسب (۱۵۱۴ م / ۹۱۹ ه.ق)، مشخص می‌شود که دالساندري در محاسبه سن یا مدت پادشاهی وی اشتباه کرده است.

آن طور که از مطالعه سفرنامه دالساندري برمی‌آید وی در آغاز تحت تأثیر شنیده‌های خود از اطرافیان شاه تهماسب قرار داشت و تنها به تعریف و تمجید از وی پرداخته است. هرچند به دلیل



آنکه سفیری کاردان، آگاه و مطلع از مسائل سیاسی بود، به تدریج به وضعیت دربار ایران و شخصیت شاه طهماسب پی برد و از وی طبعی مالیخولیایی ارائه می‌دهد (یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۲).

۴. سفرنامه برادران شرلی

یکی از همراهان برادران شرلی این سفرنامه را به نگارش درآورد و ترجمه فارسی آن به قلم «آوانس» و به اهتمام «علیقلی سردار اسعد» نخستین بار در سال ۱۳۳۰ هـ.ق در تهران به چاپ رسید (سفرنامه برادران شرلی، ۱۳۶۲: ۳۴). آنتوان و رابرت شرلی سفیرانی بودند که از طرف حکومت انگلستان نزد شاه عباس اول صفوی آمدند. این دو برادر از مشهورترین سفیران اروپایی در دوره صفویه بودند و در تاریخ مناسبات سیاسی ایران با کشورهای دیگر از شهرت زیادی برخوردار هستند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۸۸). آنتوان شرلی از سوی دولت انگلستان وظیفه داشت که نزد شاه عباس برود، وی را به جنگ با دولت عثمانی برانگیزد و برای بازرگانان انگلیسی امتیازات تجاری کسب کند. شاه عباس، پیشنهادات آنتونی شرلی را به صورت مشروط پذیرفت و برادر کوچکتر وی رابرت شرلی را به عنوان فرمانده دسته‌ای از سپاهیان ایران به جنگ با عثمانی فرستاد. رابرت شرلی به دلیل رشادت‌هایش در این نبرد مورد تکریم شاه عباس قرار گرفت و با دختر یکی از بازرگانان ایرانی ازدواج کرد (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۳۳-۱۳۴). این دو برادر پیش از شروع جنگ وظیفه آموزش ساخت سلاح‌های گرم و تجهیز سپاه صفوی را بر عهده گرفتند. اروج بیگ بیات (۱۵۶۰-۱۶۰۵م) که نخستین سفیر شاه عباس در اروپا بود، درباره این دو برادر می‌نویسد:

«در این زمان او [سر آنتونی شرلی]، در اروپا شهرت و آوازه‌ای به دست آورده بود و این به واسطه خدماتی بود که در سفر جنگی به کشور هلند تحت فرمان کنت اسکس انجام داده بود. به علاوه به پاداش خدمت او در فرانسه، هانری چهارم به او لقب شوالیه داده بود، گو اینکه این لقب را هیچ‌گاه ملکه الیزابت تأیید نکرد. همچنین، سفری جنگی به هند غربی و متصرفات اسپانیا در آمریکای مرکزی کرد که معروف است. سپس انگلستان را در ۱۵۹۸م (۱۰۰۷ق) به منظور جلب کمک و مداخله در امور دوک فرارا ترک گفت اما این سفر سیاسی بی‌نتیجه ماند... وی و برادرش با بیست و پنج تن انگلیسی دیگر در بندرگاه ونیز در ماه مه ۱۵۹۹م (شوال ۱۰۰۷ق) به کشتی نشستند و به سوی مشرق روانه و... سپس به خاک ایران گام نهادند و به قزوین و از آنجا به اصفهان رفتند در آنجا مورد تفقد و مراحم بسیار شاه عباس بزرگ واقع گشتند» (اروج بیگ، ۱۳۳۸: ۱۴-۱۵).

در این سفرنامه درباره برخی از مسائل اعتقادی و رفتاری ایرانیان ادعاهایی مطرح شده است که یا به صورت سهوی و از سر ناآگاهی نویسنده بوده و یا به نوعی تحریف تاریخی صورت پذیرفته است. این ادعاها در مقدمهٔ مصحح کتاب، علی دهباشی، پاسخ داده شده است (شرلی، ۱۳۶۲: ۱-۳۳).

۵. سفرنامهٔ تکنادر فن در یابل

پس از حضور برادران شرلی در ایران، شاه عباس به ایجاد ارتباط با سایر کشورهای اروپایی و جلب نظر و حمایت آنان بر ضد حکومت عثمانی علاقه‌مند شد. وی سر آنتوان شرلی را به همراه حسینعلی بیگ به سفارت اروپا فرستاد. پس از حضور آنان در پراگ و ملاقات با رودلف دوم امپراتور آلمان، وی نیز سفیری را با نام «استفان کاکاش فن زالان کمنی» به دربار شاه عباس اعزام کرد. کاکاش به همراه تمام همراهان خود به غیر از منشی مخصوصش در گیلان بیمار شدند و در گذشتند. از همین رو «ژرژ تکنادر فن در یابل» منشی مخصوص وی مأموریتش را تکمیل کرد و نزد شاه عباس رفت. پس از ملاقات با شاه عباس به اتفاق سفیری از ایران به نام «مهدیقلی بیگ» ایران را به مقصد آلمان ترک و در سال ۱۶۰۵ م گزارش سفر خود را به رودلف تقدیم کرد. وی در ایران به شهرهای قزوین، لنگرود و تبریز سفر کرد و مطالبی را دربارهٔ این شهرها به نگارش درآورده است (فن در یابل، ۱۳۵۱؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۱-۱۵۲).

۶. سفرنامهٔ دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا

دن گارسیا، سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا، در دربار شاه عباس اول بود. وی در سال ۱۶۱۴ م، در سن ۵۷ سالگی به دربار شاه عباس اعزام شد و نزدیک به ده سال در ایران و هند اقامت داشت و از این مدت حدود دو سال و هفت ماه را در ایران گذراند. با وجود آنکه این کتاب را مانند سفرنامهٔ برادران شرلی، یکی از همراهان دن گارسیا به رشته تحریر درآورد و هدف از نگارش آن ارائهٔ گزارش سفر به پادشاه اسپانیا بود اما حاوی اطلاعات مفید و جامعی دربارهٔ وضعیت جغرافیایی و اجتماعی برخی از شهرهای ایران است و از این منظر در شناخت تاریخ صفویه اهمیت دارد (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۷-۱۶۸).

دن گارسیا در خلال این سفر از هرمز، لار، شیراز و تخت جمشید، اصفهان، قزوین، قم و ساوه دیدن کرد و مطالبی را دربارهٔ این مناطق، سیما و خلیقات شاه عباس به نگارش درآورد (فیگروا، ۱۳۶۳).

۷. سفرنامه پیترو دل‌واله

پیترو دل‌واله، جهانگرد مشهور ایتالیایی، در سال ۱۵۸۶ م، در رم متولد شد. وی به تحصیل در رشته ادبیات و حقوق پرداخت و بر اساس آداب زمان، شوالیه‌گری آموخت. دل‌واله در نزاع بین پاپ پل پنجم و جمهوری ونیز بر سر مسائل مذهبی، در جرگه هواخواهان پاپ درآمد و با برقراری آشتی، در سال ۱۶۱۱ م به ناوگان جنگی اسپانیا برای جنگ با دزدان دریایی در سواحل آفریقا پیوست. دل‌واله پس از بازگشت به رم گرفتار عشقی نافرجام شد که آینده و سرنوشتش را دگرگون ساخت. وی در سال ۱۰۲۵ ق/ ۱۶۱۷ م از راه قصر شیرین و همدان وارد ایران شد و نزدیک به پنج سال در خدمت شاه ایران بود. در سال ۱۶۲۱ م از اصفهان عازم شیراز و تخت جمشید شد و مشاهدات خود را با جزئیاتی کامل، به رشته تحریر درآورد. دل‌واله در سال ۱۶۲۳ م ایران را به مقصد هند ترک کرد و پس از بیست ماه اقامت در هند به رم بازگشت و در جرگه ملازمان پاپ اوربان هشتم درآمد. دل‌واله در همین ایام به تنظیم و بازنویسی خاطرات سفرش پرداخت (حاجیان‌پور، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۴).

وی در این سفرنامه مطالب بسیاری را درباره شهرهای اصفهان، شیراز، کاشان، کردستان، همدان، بهشهر، تهران، سلطانیه، اردبیل و قم به رشته تحریر درآورد (دل‌واله، ۱۳۷۰). اما با وجود آنکه به طور قطع شهرکرمانشاه را نیز دیده، مطلبی را درباره آن به نگارش در نیآورده است (گابریل، ۱۳۴۸: ۱۰۴).

۸. سفرنامه کاتف

فدت آفاناس یویچ کاتف، بازرگان روسی، به قصد تجارت به ایران وارد شد و شرح مشاهدات خود را در سال‌های ۱۶۲۴-۱۶۲۳ م در سفرنامه‌ای کم حجم به رشته تحریر درآورد (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۳۴). کاتف از سمت روسیه به ایران وارد شده بود و از شهرهای اردبیل، زنجان، سلطانیه، ابهر، قزوین، ساوه، قم، کاشان دیدن کرد و بخش اعظم زمان حضور خود در ایران را در شهر اصفهان اقامت داشت (کاتف، ۲۳۵۶).

۹. سفرنامه استودارت

استودارت از اعضای هیئتی انگلیسی بود که در ۶ ژانویه ۱۶۲۸ م از طریق بندر گمبرون (بندر عباس) وارد ایران شد. این هیئت پس از عبور از شهرهای لار و شیراز به اصفهان رسید و در دهم آوریل همان سال با تشریفات رسمی وارد دربار شاه عباس صفوی گردید. شاه در این زمان، در

اشرف (بهشهر) حضور داشت، از همین رو استودارت به همراه این هیئت انگلیسی در ۳۰ آوریل ۱۶۲۸ م به سمت بهشهر حرکت کردند. از استودارت سفرنامه بسیار کوتاهی به جای مانده که احمد توکلی آن را ترجمه کرده و در جلد هشتم فرهنگ ایران زمین در شصت صفحه به چاپ رسیده است. این سفرنامه به شرح مسافرت‌های وی و همراهانش از این تاریخ به بعد پرداخته و استودارت در خلال آن توصیفات بسیار مختصری را از شهرهای اشرف، تهران، قزوین، لار، شیراز و... ارائه داده است (استودارت، ۱۳۳۹، ج ۸: ۱۶۱-۲۲۰).

۱۰. سفرنامه یان اسمیت

یان اسمیت نخستین سفیر هلند در ایران، تاجر ورشکسته‌ای بود که در سال‌های ۱۶۲۹ تا ۱۶۳۰ م در ایران حضور داشت. وی به شهرهای مختلف ایران مانند بندر گمبرون (بندرعباس)، شیراز، لار، اصفهان سفر کرد و مشاهدات خود را از این شهرها به رشته تحریر درآورد. اسمیت، هنگام مرگ شاه عباس در سال ۱۶۲۹ م در ایران حضور داشت و وضعیت جامعه ایران را در آن ایام شرح داده است (اولین سفرای ایران و هلند، ۱۳۵۶: ۵۷-۱۱۳).

۱۱. سفرنامه تاورنیه

ژان باتیست تاورنیه فرانسوی، یکی از بزرگترین سیاحان قرن هفدهم میلادی است. وی شش بار به ایران مسافرت کرد و مدت زمان طولانی را در ایران به سر برد. غالب سفرنامه‌نویسان این دوره مأمورانی هستند که از طرف دولت متبوع خود و برای برقراری ارتباطات سیاسی به ایران سفر کرده‌اند و تمامی مخارج سفر آنان از پیش تأمین شده است. این افراد در محل مأموریت و حتی در طول مسیر نیز غالباً مورد احترام و اعزاز قرار می‌گرفتند. از همین رو، سفرنامه‌های آنان بیشتر با پیش زمینه‌های سیاسی تدوین شده و بیشتر آنان به طور جامع و کامل به تشریح وضعیت اجتماعی مردم ایران پرداخته‌اند. اما افرادی مانند تاورنیه که با هزینه شخصی و به دلیل علاقه فردی رهسپار سرزمین‌های دور شده‌اند، با نگرشی عمیق‌تر به آن سرزمین و مردمان آن نظاره کرده‌اند و نگرش آنان چندان معطوف به کسب درآمد (مانند بازرگانان) و یا حتی مصلحت‌ها و منافع سیاسی نبوده است. به طور کلی، می‌توان گفت که تاورنیه در شناساندن ایران به مردم فرانسه و دیگر مردمان مغرب زمین سهم بسیار پررنگی داشته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۱۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

سفرنامه تاورنیه در قالب پنج کتاب در یک مجلد، با ترجمه ابوتراب نوری و تصحیح حمید شیرانی

در سال ۱۳۳۶ ه.ش به چاپ رسیده است. کتاب نخست این سفرنامه درباره راه‌های مختلفی است که به شهر اصفهان ختم می‌شوند. نویسنده در این بخش به توصیف شهرهای تبریز، زنجان، سلطانیه، اردبیل، قزوین، کرمان و... کاروانسراهای موجود در اطراف این شهرها و مسکوکات رایج در ایران پرداخته است. بیشتر مطالب موجود در کتاب‌های دوم و سوم درباره شهرها و مناطق مرزی اطراف ایران است و برای پژوهش در زمینه تاریخ و جغرافیای ایران اهمیت کمتری دارد. کتاب چهارم این مجلد، بخش اصلی و مهم آن، که تاورنیه در این بخش، ابتدا به تقسیم‌بندی و معرفی ایالات ایران می‌پردازد و انواع گل‌ها، میوه‌ها، حیوانات، ماهی‌ها و طیور ایران را توصیف می‌کند. وی در ادامه وضعیت شهر اصفهان را تشریح کرده و به بررسی آداب و رفتار مسلمانان و سایر اقلیت‌های مذهبی ساکن در ایران و به ویژه اصفهان می‌پردازد. کتاب پنجم این سفرنامه نیز درباره نژاد و تاریخ حکومت صفویه و وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره است (تاورنیه، ۱۳۳۶).

۱۲. سفرنامه اولتاریوس

آدام اولتاریوس یکی از اعضای هیئت بیست و پنج نفره دولت آلمان در ایران بود که با هدف برقراری مناسبات تجاری با دولت صفوی (به ویژه تجارت ابریشم) به ایران اعزام شده بودند. وی به زبان‌های فارسی و ترکی آشنایی داشت و به عنوان مشاور و منشی این هیئت فعالیت می‌کرد. اولتاریوس در حدود یک سال و نیم در ایران حضور داشت (۱۶۳۷-۱۶۳۶ م) و پس از بازگشت به آلمان شرح مشاهدات خود را به نگارش درآورد. در این دوره میزان علاقه و تسلط وی به زبان فارسی تا حدی افزایش پیدا کرد که توانست گلستان سعدی را برای نخستین بار به زبان آلمانی ترجمه کند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۸۲). اولتاریوس از گیلان، اردبیل، سلطانیه، قزوین، قم، کاشان و اصفهان دیدن کرد و به بررسی معتقدات، آداب و رسوم، آموزش و پرورش، ازدواج و طلاق، خوراک و پوشاک مردم ایران در این شهرها پرداخته و از این منظر در شناخت دوره صفویه حائز اهمیت است (اولتاریوس، ۱۳۸۵).

۱۳. سفرنامه شاردن

ژان شاردن، سیاح و سفرنامه‌نویس مشهور فرانسوی (۱۷۱۳-۱۶۴۳ م) دو بار به ایران سفر کرد و در مجموع نزدیک به ده سال در ایران حضور داشت. وی که فرزند یک جواهرفروش فرانسوی بود بار نخست به عزم خرید جواهر، به دربار شاه عباس دوم آمد و نزدیک به شش سال در ایران زندگی کرد. او در آن روزها زبان فارسی را به خوبی آموخت و اوضاع سیاسی، اجتماعی، تاریخی و نظامی

ایران را مطالعه کرد. همچنین نقاشی که همراه با او به ایران مسافرت کرده بود از مناظر دیدنی ایران مانند تخت جمشید و از لباس‌های مردمان ایران تصویر برداشت. شاردن هنگام تاجگذاری شاه سلیمان صفوی در ایران (۱۶۶۶ م) حضور داشت و پس از بازگشت به فرانسه شرح مشاهدات خود را در سال ۱۶۷۱ م منتشر کرد. وی بار دیگر در سال ۱۶۷۳ م به ایران بازگشت و در حدود چهار سال در دربار صفوی حضور داشت. شاردن با آنکه در سفرهای خود به ایران بیشتر اوقات خود را در اصفهان گذراند اما دقت نظر او در ثبت و ضبط مشهوداتش در مسیر سفر باعث شده است تا کتاب وی تبدیل به یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌های تاریخ ایران شود (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۵).

سفرنامه شاردن در پنج جلد به چاپ رسیده و به نوعی دانشنامه اجتماعی و سیاسی مردم ایران در دوره صفوی است. این سفرنامه حاوی اطلاعات بسیار مهمی درباره آداب و رسوم، حیوانات و گیاهان، پوشاک، علوم مختلف، ساختار آموزشی، اقتصادی و نظامی، ورزش‌ها و بازی‌ها، نوشیدنی‌ها و خوراک‌ها، افسانه‌ها و داستان‌های رایج، وضعیت اقلیت‌های مذهبی و... ایرانیان در این دوره است (شاردن، ۱۳۷۲-۱۳۷۵: ج ۱-۵).

۱۴. سفرنامه آندره دلند (زیبایی‌های ایران)

آندره دولیه دلند از همراهان تاورنیه در سفر پنجم او به ایران بود. وی نیز سال‌ها بعد (۱۶۷۳ م) خاطرات سفر خود به ایران را در قالب سفرنامه‌ای کوتاه به نام «زیبایی‌های ایران» به رشته تحریر در آورد. آندره دلند شهرهای تبریز، قزوین، ساوه، قم، کاشان، اصفهان، لار، شیراز و بندرعباس را دید و افزون بر توصیف مشاهدات خود از وضعیت اجتماعی و طبیعی این شهرها، تصاویری را نیز از مناظر مختلف ایران نقاشی کرده است (دولیه دلند، ۲۵۳۵؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۲۵۹-۲۶۰).

۱۵. سفرنامه سانسون

سانسون به عنوان یکی از اعضای هیئت مبلغین مذهبی (میسونر مذهبی) در سال ۱۶۸۳ م به دربار شاه سلیمان صفوی اعزام شد. وی به محض ورود به ایران به یادگیری زبان‌های ارمنی، ترکی و فارسی پرداخت و در اوقات فراغت خود درباره آداب و اخلاق، وضعیت اجتماعی و پیشینه تاریخی ایران مطالعه و تحقیق می‌کرد. سانسون بیش از سه سال در ایران حضور داشت و پس از بازگشت به کشورش، به دستور شاه فرانسه خاطرات سفر خود را به رشته تحریر در آورد. وی در این سفرنامه به توصیف شاه، حرمسرا، وزرا و صاحب منصبان نظامی و حکومتی می‌پردازد (سانسون، ۱۳۴۶).

۱۶. سفرنامه کمپفر

انگلبرت کمپفر، کشیش زاده آلمانی، در سال ۱۶۸۳ م به عنوان منشی و طبیب هیئتی تجاری، از دربار کارل یازدهم پادشاه سوئد، عازم ایران شد. وی در سال ۱۶۸۴ م به اصفهان رسید و نزدیک به بیست ماه در ایران اقامت داشت. مسافرت وی به ایران تقریباً همزمان با سانسون فرانسوی و در دوران حکومت شاه سلیمان صفوی رقم خورد. سفرنامه وی در سال ۱۷۱۲ م در نهمصد صفحه به چاپ رسید، اما تنها بخش‌های مرتبط با ایران در این سفرنامه به زبان فارسی ترجمه شده است. در این ترجمه کمپفر در شانزده فصل به شرح تاجگذاری شاه سلیمان و شخصیت وی، وضعیت قشون، وزارت، مستوفی‌گری، روحانیون، دربار، بیوتات سلطنتی، شهر اصفهان، کاخ‌ها و باغ‌های آن پرداخته است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۴، ۹-۱۰؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۲-۲۷۳).

۱۷. سفرنامه کاری

جملی کاری جهانگرد ایتالیایی، در زمان حکومت شاه سلیمان صفوی به ایران مسافرت کرد و تا دوران حکومت شاه سلطان حسین در ایران حضور داشت. کاری در سال ۱۶۹۴ م / ۱۱۰۵ ه.ق از طریق جلفا به ایران وارد شد و شهرهایی چون تبریز، قم، اصفهان و شیراز را دید. وی در این سفرنامه به وصف وضعیت اجتماعی و جغرافیایی این شهرها و مراسم تاجگذاری شاه حسین پرداخت و وضعیت دینی و مذهبی مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی، آب و هوا، گل‌ها، حیوانات، میوه‌ها، پول، اسلحه، معادن، مراسم ازدواج، سوگواری و پوشاک ایرانیان را مورد بررسی قرار داده است (کاری، ۱۳۸۳). کاری در فصل نهم کتاب خود کامل‌ترین و جامع‌ترین توصیف را از وضعیت تخت‌جمشید در دوره صفوی ارائه داده است و این بنا را ارزشمندتر و باشکوه‌تر از آثار به جای مانده از روم باستان و اهرام مصر می‌داند (همان: ۱۸۰-۱۸۹).

۱۸. سفرنامه فیدالگو: گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی

ایرانیان در زمان حکومت شاه عباس توانستند نیروهای نظامی پرتغال را از بنادر و جزایر جنوبی ایران مانند بندر عباس و جزیره هرمز بیرون کنند و نفوذ این کشور استعمارگر در جنوب کشور را از بین ببرند. با وجود این، پرتغالی‌ها برای حفظ ارتباط تجاری با ایران و به دلیل وجود دشمنی مشترک به نام عثمانی، تلاش داشتند تا ارتباط خود را با ایران حفظ کنند. از همین رو معاهده تجاری جدیدی با ایران منعقد شد و مطابق با این معاهده بندر کنگ برای استفاده بازرگانان پرتغالی

مفتوح باقی ماند. در همین راستا سفیری از پرتغال با نام «گرگوریو پیرا فیدالگو» به عنوان نماینده نایب السلطنه گوا (هندوستان) و مشاور پادشاه پرتغال در سال ۱۶۹۶ م به ایران آمد و مدتی را در بندر کنگ اقامت کرد. وی شرح مشاهدات خود را در قالب گزارشی تقدیم پادشاه پرتغال نمود. ژان اوبن این گزارش را نخست به زبان فرانسوی و بعداً پروین حکمت به فارسی ترجمه کردند. فیدالگو از بندر کنگ، لار، کازرون، شیراز و اصفهان دیدن کرد و در سفرنامه خود توصیفات را درباره این شهرها ارائه داده است (فیدالگو، ۲۵۳۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۳۲۲-۳۲۳).

۱۹. سفرنامه ماری کلود پوتی: سفیر زیبا

ماری کلود پوتی از زنان اسرارآمیز و ماجراجوی تاریخ فرانسه در دوران حکومت لویی چهاردهم است. وی در پاریس قمارخانه‌ای پر رونق و مشهور داشت، با شنیدن وصف زیبایی‌های افسانه‌آمیز مشرق زمین و دیدنی‌های شگفت‌انگیز ایران، تصمیم به فروش تمام دارایی خود و سفر به ایران گرفت. ماری کلود پوتی در سال ۱۷۰۵ م در قالب یک هیئت فرانسوی و با پوشیدن لباس‌های مردانه عازم ایران گردید. این هیئت در ژانویه ۱۷۰۶ م به شهر ایروان که آن روزها بخشی از خاک ایران بود وارد شد. وی به تدریج توانست با درایت و ذکاوت خود سرپرستی این هیئت را بر عهده بگیرد (گرس، ۱۳۷۰: ۹-۱۰؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۸-۲۹۹).

ایون گرس مشاهدات و خاطرات وی را سال‌ها بعد به صورت داستان به نگارش درآورد؛ علی اصغر سعیدی این کتاب را به زبان فارسی بازگردانی کرد. در این کتاب مطالب بسیاری درباره وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای تبریز و اصفهان آمده است (گرس، ۱۳۷۰: ۱۷۰-۲۷۰).

۲۰. سفرنامه کروسینسکی

تادوز یودا کروسینسکی کشیش لهستانی که مدت هجده سال در دربار حکومت صفوی حضور داشت و سقوط این سلسله را از نزدیک مشاهده کرده است. وی از مبلغین مذهبی بود که به نمایندگی از پاپ در سال ۱۷۰۷ م به دربار شاه سلطان حسین صفوی اعزام شد و در دوران حکومت محمود و اشرف افغان در ایران حضور داشت. از این رو، سفرنامه وی برای شناخت وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوران منبعی بسیار مهم و حائز اهمیت است. کروسینسکی در آن روزها از شهرهای اصفهان، کرمان، شیراز، قزوین و کاشان دیدن کرد و مشاهدات خود را به نگارش درآورد (دوسرسو، ۱۳۶۳).

۲۱. سفرنامه احمد درّی

نزدیک به یک سده پس از امضای قرارداد صلح میان شاه صفی و سلطان مراد چهارم_عهدنامه زهاب ۱۰۴۹ هـ.ق_، با ضعیف شدن دولت ایران در عهد شاه سلطان حسین صفوی حکومت عثمانی به فکر گرفتن امتیازهای بیشتر از دولت صفوی افتاد. از این رو، در سال ۱۱۳۳ هـ.ق احمد درّی مأموریت پیدا کرد تا به دربار صفوی بیاید و مقدمات قرارداد تجاری و ترانزیتی جدیدی را فراهم کند. اگر چه به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران هدف اصلی درّی از این سفر بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران و تهیه گزارشی برای دربار عثمانی بوده است. درّی در این سفرنامه اشاراتی به مناطق غربی ایران و اصفهان داشته اما این اشارات به صورت کلی بوده است و اطلاعات جدیدی را به خواننده منتقل نمی‌کند. تنها نکته جالب و حائز اهمیت در سفرنامه درّی آن است که وی در همین دوران به آبادانی شهرهای مختلف ایران اشاره و سقوط دولت صفوی را پیش‌بینی کرده است (غروب دولت صفویه (سفارت‌نامه احمد درّی)، ۱۳۶۸: ۴۹-۹۸؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۳۷۲-۳۷۳).

نتیجه‌گیری

به طور کلی از بررسی‌های پژوهش حاضر می‌توان به نتایج زیر دست پیدا کرد:

۱. کثرت تعداد سفرنامه‌های دوره صفوی حکایت از رونق حضور گردشگران و مأموران سیاسی اروپایی در ایران دارد. در این دوران تعداد زیادی از سیاحان اروپایی با اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ایران مسافرت و شرح مشاهدات خود را در قالب سفرنامه یا گزارش گردآوری کرده‌اند.
۲. پژوهش حاضر بیست و یک سفرنامه دوره صفوی را شناسایی، مورد بررسی و واکاوی قرار داده که از این تعداد بیست مورد متعلق به سیاحان اروپایی و یک مورد متعلق به مأموری از کشور عثمانی است.
۳. از بیست و یک جهانگرد مطرح دوره صفوی، پنج نفر ایتالیایی، پنج نفر فرانسوی، سه نفر آلمانی و دو نفر انگلیسی هستند و از هر کدام از کشورهای اسپانیا، پرتغال، لهستان، روسیه، هلند و عثمانی یک نفر به ایران مسافرت کرده است. هرچند که می‌بایست این نکته را نیز مد نظر قرار داد که کمپفر آلمانی از طرف دولت سوئد و کروسینسکی لهستانی از طرف پاپ به ایران اعزام شده بودند.
۴. به طور کلی اهداف سیاسی و تجاری از دلایل اصلی حضور این جهانگردان در ایران بوده است و سیاحت و اهداف مذهبی در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد.
۵. مشخصات کلی سفرنامه‌نویسان دوره صفوی به شرح ذیل است:

ردیف	نام	ملیت	دلیل سفر
۱	آنجلو	ونیز (ایتالیا)	تجاری- سیاسی
۲	بازرگان گمنام	ونیز (ایتالیا)	تجاری
۳	دالساندری	ونیز (ایتالیا)	سیاسی
۴	برادران شرلی	انگلیس	سیاسی
۵	تکنادر فن دریا بل	آلمان	سیاسی
۶	فیگوئرا	اسپانیا	سیاسی
۷	دلاواله	ایتالیا	سیاسی
۸	کاتف	روسیه	تجاری
۹	استودارت	انگلیس	سیاسی
۱۰	یان اسمیت	هلند	سیاسی
۱۱	تاورنیه	فرانسه	سیاحتی - تجاری
۱۲	اولثاریوس	آلمان	تجاری
۱۳	شاردن	فرانسه	تجاری
۱۴	آندره دلند	فرانسه	سیاحتی - تجاری
۱۵	سانسون	فرانسه	سیاسی - مذهبی
۱۶	کمپفر	آلمان (از طرف دولت سوئد)	تجاری
۱۷	کاری	ایتالیا	سیاحتی
۱۸	فیدالگو	پرتغال	سیاسی
۱۹	کلود پوتی	فرانسه	سیاسی
۲۰	کروسینسکی	لهستان (از طرف پاپ)	سیاسی - مذهبی
۲۱	احمد دری	عثمانی	سیاسی

کتابنامه

- آنجلو، جووان ماریا. (۱۳۸۱). «سفرنامه آنجلو». *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*. ترجمه منوچهر امیری. چ ۲. تهران: خوارزمی. صص ۲۸۳-۳۷۴.
- استودارت. (۱۳۳۹). «سفرنامه (ترجمه احمد توکلی)». *فرهنگ ایران زمین*. صاحب امتیاز ایرج افشار. ج ۸. چاپ دوم از جلد اول تا بیستم ۱۳۵۳-۱۳۳۲. تهران: بنیاد نوشیروانی. صص ۱۶۱-۲۲۰.
- اولثاریوس، آدام. (۱۳۸۵). *سفرنامه آدام اولثاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی*. ترجمه و حواشی احمد بهپور. تهران: انتشارات ابتکار نو.
- *اولین سفرای ایران و هلند*. (۱۳۵۶). ترجمه و نگارش ویلم فلور. به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوتراییان. تهران: کتابخانه طهوری. صص ۵۷-۱۱۳.
- دالساندری، وینچنتو. (۱۳۸۱). «سفرنامه وینچنتو دالساندری». *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*. ترجمه منوچهر امیری. چ ۲. تهران: خوارزمی. صص ۴۵۹-۴۷۹.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. چ ۲. ج ۵-۱. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- حاجیان پور، حمید. (۱۳۸۶). «سفرنامه‌ها و ادبیات سفرنامه‌ای اروپاییان عصر صفوی: پیترو دلاواله». *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*. سال ۴. ش ۳. صص ۳۱-۵۲.
- حاجیان پور، حمید؛ جوادی، رقیه. (۱۳۹۵). «بررسی شناخت مفاهیم هنر معماری اصفهان در سفرنامه‌های عصر صفوی و چگونگی انتقال آنها به اروپا؛ مطالعه موردی سفرنامه‌های دلاواله، تاورنیه، شاردن، سانسون»، *پژوهشنامه تاریخ محلی ایران*. سال ۴. ش ۸. صص ۲۹-۴۰.
- دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۸۵). *بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- _____ (۱۳۸۰). *سفرنامه*. ج ۱. تهران: نشر ثالث.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلاواله: قسمت مربوط به ایران*. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوسرسو، ژان آنتوان. (۱۳۶۳). *سفرنامه کروسینسکی: یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی (۱۷۰۷-۱۷۲۵م)*. ترجمه عبدالرزاق دنبلی. مقدمه و تصحیح مریم میراحمدی. تهران: نشر توس.
- دولیه دلند، آندره. (۲۵۳۵). *زیبایی‌های ایران*. ترجمه محسن صبا. تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- رازنهان، محمد حسن؛ شیردل، تقی. (۱۳۹۶). «بازتاب تقدیرگرایی و مؤلفه‌های آن در سفرنامه‌های عصر صفوی». *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. دوره ۸. ش ۸. صص ۱۱۹-۱۴۳.
- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۹۰). «بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی دوره صفوی». *ماهنامه معرفت*. سال ۲۰. ش ۱۱. صص ۱۱۹-۱۳۸.
- رهبر، ایلناز؛ اسعدی، هومان؛ گاژا، رامون. (۱۳۸۹). «سازهای موسیقی دوره صفوی به روایت کمپفر و

- شاردن، مقایسه‌ای تطبیقی در بخش سازشناختی از سفرنامه کمپفر و شاردن». هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۲. ش ۴۱. صص ۲۳-۳۲.
- سانسون. (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون*. ترجمه تقی تفضلی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- «سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران». (۱۳۸۱). *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*. ترجمه منوچهر امیری. چ ۲. تهران: خوارزمی. صص ۳۷۵-۴۵۸.
- *سفرنامه برادران شرلی*. (۱۳۶۲). ترجمه آوانس. به کوشش علی دهباشی. تهران: انتشارات نگاه.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲-۱۳۷۵). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. ج ۱-۵. تهران: انتشارات توس.
- شورمیچ، محمد. (۱۳۹۳). «خلیج فارس از منظر نه سفرنامه‌نویس اروپایی عصر صفویه». *فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*. سال ۱. ش ۱. صص ۵۷-۷۲.
- عادل، پرویز. (۱۳۸۳). «سفرنامه‌های ونیزیان در ایران: نگرش و نگارش». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. سال ۸. ش ۸۸-۸۹. صص ۹۰-۹۷.
- علیمحمدی، ساناز. (۱۳۸۹). «نگاهی بر سفرنامه‌نویسی و استفاده از آنها به عنوان منابع تاریخی: سفرنامه‌ها و تاریخ‌نگاری ایرانی». *روزنامه رسالت*. یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹. سال ۲۵. ش ۶۹۷۴.
- «غروب دولت صفویه (سفارت‌نامه احمد دری)». (۱۳۶۸). *سفارت‌نامه‌های ایران: گزارش‌های مأموریت سفیران عثمانی در ایران*. تألیف محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات توس. صص ۴۹-۹۸.
- فن دریابل، ژرژ تکنادر. (۱۳۵۱). *ایترپرسیکوم*. ترجمه محمود تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فیدالگو، گرگوریو پیرا. (۲۵۳۷). *گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی*. ترجمه پروین حکمت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیگروآ، گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ. (۲۵۳۶). *سفرنامه کاتف*. ترجمه محمد صادق همایون‌فرد. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- کارری، جملی. (۱۳۸۳). *سفرنامه کارری*. ترجمه عباس نججوانی و عبدالعلی کارنگ. چ ۲. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- کرمی، سمیه؛ مخبر دزفولی، فهیمه؛ عالم زاده، هادی. (۱۳۹۶). «وضع آموزشی بانوان دربار صفوی بر اساس سفرنامه‌ها و نگاره‌ها». *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*. سال ۵۰. ش ۲. صص ۲۳۳-۲۵۶.

- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. چ ۳. تهران: انتشارات خوارزمی.
- گابریل، آلفونس. (۱۳۴۸). تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران. ترجمه فتحعلی خواجه نوری. تهران: ابن سینا.
- گرس، ایون. (۱۳۷۰). سفیر زیبا: سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات تهران.
- موسوی‌دالینی، جواد؛ مودت، لیلا؛ موسوی، سیده طاهره، طباطبایی، سید حسین. (۱۳۹۵). «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی». مطالعات تاریخ فرهنگی. سال ۷. ش ۲۸. صص ۱۲۳-۱۵۲.
- میراحمدی، مریم. (۱۳۶۸). «اهمیت تاریخی سفرنامه‌های ایران (۱۹۰۰-۱۴۰۰م)». تحقیقات تاریخی. سال ۱. ش ۳. صص ۴۹۵-۵۳۲.
- یوسف جلالی، محمد کریم. (۱۳۸۵). «نقد و بررسی سفرنامه‌های ونیزیان در ایران». فصلنامه تاریخ. سال ۱. ش ۱. صص ۱۲۶-۱۵۱.

